

تحلیل گفتمان مجله آینده نسبت به مقوله امنیت

حمزه حسینی^۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۲/۰۶

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۵/۲۵

از صفحه ۲۷ تا ۴۴

فصلنامه علمی مطالعات تاریخ انتظامی
سال هشتم، شماره بیست و نهم، تابستان ۱۴۰۰

چکیده

یکی از مهم‌ترین بحران‌های جامعه ایران در سال‌های بعد از پیروزی انقلاب مشروطه (۱۳۰۰-۱۲۸۹ ش.)، عدم امنیت در کشور بود. این مسئله سبب شد که وقتی رضاخان در جریان کودتای ۱۲۹۹ ش. قدرت را قبضه کرد، برقراری امنیت پایدار، به خواسته اصلی جامعه ایران و اولویت اول برنامه‌های او تبدیل شود. در این میان گروهی از سیاستمداران با انتشار مطبوعات مختلف به ترغیب و حمایت از رضاشاه برای تحقق این هدف مهم اقدام کردند. یکی از این مطبوعات، مجله آینده به مدیریت محمود افشار بود. مقاله حاضر درصدد است تا با روش توصیفی - تحلیلی به این سؤال اصلی پاسخ دهد که گفتمان مجله آینده به مقوله امنیت دارای چه رویکردی بوده است؟ به نظر می‌رسد گردانندگان مجله آینده ایجاد و برقراری امنیت را بستر و ضامن اصلی هرگونه پیشرفت و نوسازی ایران می‌دانستند. نتایج این بررسی نشان می‌دهد که مجله آینده با طرح برنامه‌ها و راهکارهایی همچون تشکیل دولت مقتدر مرکزی، سرکوب گردن‌کشان و اخلال‌گران امنیت داخلی، حفظ تمامیت ارضی ایران از خطرات خارجی و ایجاد امنیت قضایی، نقش مهمی در ترغیب، حمایت و عملیاتی کردن سیاست‌ها و اقدامات دولت پهلوی اول در جهت برقراری امنیت در جامعه ایران داشت.

کلید واژه‌ها:

آینده، امنیت داخلی، امنیت قضایی، تمامیت ارضی.

مقدمه

وجود آشوب و هرج و مرج سیاسی و امنیتی در دوران پس از مشروطه تا روی کار آمدن سلسله پهلوی باعث گردید تا زمانی که رضاخان با کودتای ۱۲۹۹ ش. قدرت را به دست گرفت، سیاستمداران و گروه‌های مختلف سیاسی با ترغیب و حمایت از او برای پایان دادن به ناامنی فراگیر در کشور هماهنگ و هم‌صدا شوند. آنها در این زمینه با روش‌های گوناگون به کمک دولت پهلوی آمدند و امنیت را که یکی از دغدغه‌ها و خواسته‌های اصلی جامعه ایران بود فریاد زدند. در این میان برخی از سیاستمداران و نخبگان سیاسی با انتشار مجلات و روزنامه‌ها، در کنار پرداختن به سایر مشکلات و دردهای جامعه ایران و چاره‌جویی برای حل آنها، مسئله امنیت را که پیش‌زمینه و بستر اصلی برای نوسازی و پیشرفت جامعه بوده است؛ تأکید و خواهان برقراری کامل امنیت داخلی و ملی شدند. یکی از این مجلات، مجله آینده بود که در سال ۱۳۰۴ شمسی هم‌زمان با تأسیس سلسله پهلوی به مدیریت دکتر محمود افشار و همکاری بسیاری از روشنفکران و نخبگان سیاسی و ادبی ایران‌زمین در موضوعات مختلف منتشر گردید. گردانندگان مجله آینده با آشنایی با دردها و مشکلات جامعه ایران در آن زمان همچون ناکامی مشروطه، عقب‌ماندگی ایران از نوسازی، خطراتی که موجودیت ایران را تهدید می‌کردند و ... درصدد برآمدند تا با حمایت از رضاشاه و بردن جامعه به سمت نوسازی، او را به‌عنوان بازوی مطبوعاتی در شناساندن بهتر مشکلات جامعه و چاره‌جویی برای حل آنها یاری کنند. یکی از مهم‌ترین موضوعاتی که در مجله آینده باید بسیار مورد توجه قرار داد، مسئله ناامنی‌های گسترده در داخل و در خطر قرار گرفتن تمامیت ارضی ایران بود. مقاله حاضر در صدد است تا نگاه گفتمانی این مجله را با کمک نظریه تحلیل گفتمانی لاکلاو و موفه نسبت به مقوله امنیت که در آن زمان یکی از خواسته‌های جامعه ایران بود، با روش توصیفی - تحلیلی مورد بررسی قرار دهد.

بنابراین سؤال اصلی مقاله حاضر این است که گفتمان مجله آینده نسبت به

امنیت دارای چه رویکردهای بوده است؟

فرضیه پژوهش: به نظر می‌رسد که گردانندگان مجله آینده شرط نوسازی و پیشرفت ایران را برقراری امنیت معرفی کردند و با این نگاه به مقوله امنیت نقش مهمی را در برنامه‌های دولت پهلوی اول برای ایجاد امنیت پایدار داشته‌اند.

پیشینه پژوهش: در مورد مجله آینده تاکنون پژوهش‌های مختلفی صورت گرفته است. علیرضا ملائی توانی (۱۳۸۲) در مقاله «تاریخ‌نگاری مبتنی بر هویت ملی از نگاه مجله آینده» مسئله نگرش این مجله به هویت و وحدت ملی را بررسی کرد. علی‌اکبر خدروی زاده و همکارانش (۱۳۹۰) در مقاله دیگر با عنوان «چگونه بازتاب اندیشه نوسازی در مجله آینده» به مسئله نوسازی از نگاه این مجله پرداخته است. مهران افشار (۱۳۹۰) در مقاله «یادی از مجله آینده برای حق صحبت سال‌ها» به بیوگرافی و معرفی آن اشاره کرد. فریبا افکاری (۱۳۹۰) در مقاله «یادی از مجله‌های آینده و سمینارهای نسخه‌شناسی محمود افشار» فعالیت‌ها و پژوهش‌های محمود افشار را بررسی کرد. با وجود این پژوهش‌ها ولی تاکنون پژوهشی در مورد رویکرد مجله آینده به مقوله امنیت که یکی از موضوعات پر دغدغه آن مجله بود به رشته تحریر در نیامده و این موضوع از این منظر بکر و تازه است.

مجله آینده

یکی از مهم‌ترین مجلات تأثیرگذار در سال‌های ابتدایی حکومت پهلوی، مجله آینده به مدیریت دکتر محمود افشار بوده است. وی «در سال ۱۲۶۷ ه.ش، در یزد متولد شد و در سال ۱۲۹۰ ه.ش برای ادامه تحصیلات عازم سوئیس شد» (عاقلی، ۱۳۸۰: ۱۸۴). محمود افشار «فارغ‌التحصیل رشته علوم سیاسی و از کارمندان دادگستری بود» (ملایی توانی، ۱۳۸۱: ۲۹۳). افشار مجله آینده را در سال ۱۳۰۴ ه.ش هم‌زمان با تأسیس سلسله پهلوی منتشر کرد و نخستین شماره آن نیز در تیرماه همان سال به چاپ رسید. جلد‌های اول و دوم در ۲۴ شماره منظم منتشر گشت و در اسفند ۱۳۰۶ شمسی به تعطیل گرایید. این مجله از «ارکان انجمن ایران جوان و ناشر افکار حزب تجدد بود» (آبراهامیان، ۱۳۸۹: ۱۵۳). در این نشریه، نظریه‌پردازان، اندیشه نوسازی اقتدارگرا از جمله «سید حسن تقی زاده، علی دشتی، محمد هاشم میرزا، نقیب‌زاده، رشید یاسمی، عیسی

صدیق، احمد کسروی، عرفان، ذکاءالملک فروغی، دکتر محمد مصدق، یحیی دولت‌آبادی، علی‌اکبر داور و دیگران مطالبی می‌نوشتند» (حذری زاده و همکارانش، ۱۳۰۹: ۳۹). محمود افشار با استناد و افتخار به تاریخ چندین هزار ساله درخشان و پر عظمت ایران، ضمن یادآوری خطرات و حوادث ناگواری که ملت ایران از سر گذرانده، تأکید کرد که همه ما موظفیم تا در راستای حفظ دستاوردهای تمدن ایران زمین بکوشیم. او خود در این زمینه با انتشار مجله آینده به دردها و مشکلات جامعه ایران پرداخته و ناامنی را که بلای عظیمی برای موجودیت ایران بود در اولویت مجله‌اش قرار داد.

در خصوص اهمیت امنیت از نگاه مجله آینده همین بس که وحدت ملی ایران را منوط به دو مقوله مهم برقراری امنیت؛ یعنی حفظ تمامیت ارضی ایران و استقلال سیاسی کرده بود و در بحثی تحت عنوان مطلوب ما یادآور می‌شود «مقصود ما از وحدت ملی ایران، قدرت سیاسی، اخلاقی و اجتماعی مردمی است که در حدود امروز مملکت ایران اقامت دارند. این بیان شامل دو مفهوم است که عبارت‌اند از حفظ استقلال سیاسی و تمامیت ارضی ایران» (آینده، سال اول، شماره اول، ۱۳۰۴، ص ۶ و ۵).

چارچوب نظری

گفتمان از مفاهیم کلیدی است که نقش مهمی در شکل دادن به اندیشه فلسفی، اجتماعی و سیاسی دنیای غرب در نیمه دوم قرن بیستم داشته است. این مفهوم برای اولین بار در مقاله «تحلیل گفتمان»، نوشته زلیک هریس در سال ۱۹۵۲ م. به کار رفته بود. در دهه‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ م وارد عرصه‌های زبان‌شناسی، نقد ادبی، روان‌کاوی، فلسفه، نظریه سیاسی، اجتماعی و فرهنگی شد» (بشیر، ۱۳۸۴: ۱۲). نظریه تحلیل گفتمان، ریشه در نظریات سوسور در زبان‌شناسی دارد که اندکاندک تحول یافت و به حوزه علوم اجتماعی وارد شد. در مورد گفتمان باید گفت «از ترکیب به هم پیوسته عناصر، لوازم و شرایطی درون‌متنی و برون‌متنی ایجاد می‌شود. هر گفتمان دو وجه متمایز دارد: نخست وجه بیرونی یا آشکار گفتمان که همان ساختار

زبان‌شناختی متن یا کلام است و به مجموعه‌ای از جمله‌ها گفته می‌شود که در چهارچوب یک پیام زبانی عرضه می‌شود. این پیام زبانی در سطحی بالاتری از زبان‌شناسی یا متن عمل می‌کند» (بارت، ۱۳۸۷: ۳۱). بُعد و وجه درونی و پنهان گفتمان، همان عوامل برون‌متنی و برون زبانی اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، فکری، فرهنگی و غیره است که مهم‌ترین وجه گفتمان است. در وجه درونی گفتمان «باید به فرآیندهای اجتماعی که مولد معناست، توجه داشت؛ زیرا گفتمان‌ها شکل‌دهنده ذهنیت و نیز ارتباطات اجتماعی-سیاسی هستند و از درون گفتمان‌های متفاوت، جهان‌های متفاوت درک می‌شود» (عضدانلو، ۱۳۸۰: ۱۷)؛ به عبارت دیگر هر گفتمان یک سکه دو رویه است. یک روی آن، گفتار و سوی دیگر کارکرد سیاسی، فکری و اجتماعی است؛ بنابراین «کارکردهای گفتمانی، همه جنبه‌های فعالیت انسان را در بر می‌گیرند، از این‌رو می‌توانیم گفتمان فکری، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، ورزشی و... داشته باشیم» (یارمحمدی، ۱۳۸۷: ۹۹). یورگنسن در یک تعریف از تحلیل گفتمان معتقد است «گفتمان شیوه‌ای خاصی برای سخن گفتن درباره جهان و فهم آن است» (یورگنسن، ۱۳۸۹: ۱۷-۱۸). رویکردهای مختلفی به تحلیل گفتمان وجود دارد، اما از بین آنها، نظریه ارنستو لاکلاو و شانتال موفه، آدو فیلسوف بزرگ برای فهم و تحلیل امور سیاسی و اجتماعی از جامعیت بالایی برخوردار است. لاکلاو و موفه با استناد به نظریه سوسور معتقد بودند که سیاست و اجتماع مانند هر عمل دیگری نیازمند گفتمانی شدن است تا بتوان آن را فهم و معنا کرد. کار برجسته لاکلاو و موفه در نظریه تحلیل گفتمان این بود که توانستند نظریات گفتمان را از حوزه فرهنگ و فلسفه به سیاست و جامعه بکشانند. آنها با ترکیب دو نظریه مارکسیسم و زبان‌شناسی توانستند یک نظریه پساساختارگرا به وجود بیاورند و آن را به هم‌هی امور اجتماعی از جمله سیاست تعمیم دهند و برداشت گفتمانی از آن ارائه کنند. یورگنسن در این مورد می‌گوید «نظریه لاکلاو و موفه ریشه در دو سنت نظری ساخت‌گرا یعنی مارکسیسم و زبان‌شناسی سوسوری دارد. مارکسیسم مبنای اندیشه در امر اجتماعی را برای این نظریه فراهم می‌آورد و زبان‌شناسی ساخت‌گرای سوسور،

^۱ marian yorgensen

^۲ Ernesto laclau

^۳ shantal mufa

نظریه معنایی مورد نیاز این دیدگاه را در اختیار قرار می‌دهد» (یورگنسن، همان: ۵۴). آنها گفتمان را «صورت‌بندی مجموعه‌ای از کدها، اشیاء، افراد و غیره می‌دانند که پیرامون یک دال کلیدی جایابی شده و هویت خویش را در برابر مجموعه‌ای از غیریت‌ها به دست می‌آورند» (Laclau and Muffe, 2002: 139). لاکلاو و موفه برای توصیف گفتمان خود از مؤلفه‌ها و مفاهیم خاص خود استفاده کردند. ما در اینجا موضوع مذکور را برای بررسی عمیق‌تر و پرهیز از سطحی‌نگری در قالب بعضی از این مفاهیم از جمله دال مرکزی، ضدیت یا گفتمان رقیب و لحظه یا دال‌های شناور بررسی کردیم. دال مرکزی به‌عنوان ستون اصلی گفتمان، دال‌های دیگر را حمایت می‌کند و آنها را در حوزه قلمرو خود نگه می‌دارد. این مفهوم نشانه ممتاز و شاخص است که نشانه‌های دیگر حول آن انسجام می‌یابند؛ چرا که کل نظام معنایی گفتمان بر مفهوم این دال استوار است. لاکلاو و موفه در مورد دال مرکزی معتقدند «مبنای تولید هر گفتمانی تلاش برای مسلط ساختن حوزه گفتمان‌گونگی به منظور توقف جریان تفاوت‌ها و در نهایت ساخت یک مرکز است. ما نقاط گفتمانی مرجح این تثبیت نسبی را دال مرکزی می‌نامیم» (لاکلاو و موفه، ۱۳۹۳: ۱۸۳). کسرایبی در مورد دال مرکزی معتقد است «نشانه ممتاز، شخص، نماد، یا مفهومی است که گفتمان‌ها با تثبیت معنا حول این کانون شکل می‌گیرند و به‌مثابه عمود خیمه است که اگر برداشته شود خیمه فرو می‌ریزد» (کسرایبی، ۱۳۸۸: ۳۴۳).

ضدیت یا غیریت دیگر مؤلفه گفتمان در نظریه لاکلاو و موفه است. اصولاً فهم نظریه گفتمان بدون فهم مفهوم ضدیت ناممکن است، گفتمان‌ها در ضدیت و تفاوت با یکدیگر شکل می‌گیرند. همچنین هویت‌یابی یک گفتمان صرفاً در تعارض با گفتمان‌های دیگر امکان‌پذیر است. لاکلاو و موفه در مورد ضدیت معتقدند «تخاصم، عنصر قوام بخش جامعه است. در این تخصصم و منازعه سوژه‌ها در تلاش برای کسب هویت‌های مختلف به تولید و بسط معنا می‌پردازند» (موفه، ۱۳۹۱: ۱۶). این ضدیت یا غیریت در نگاه این دو اندیشمند سیاسی «به رابطه یک پدیده یا چیزی بیرون از آن اشاره دارد که نقش اساسی در هویت بخشی و تعیین آن پدیده ایفا می‌کند» (حقیقت، ۱۳۸۷: ۵۴۵). لحظه یا دال‌هایی شناور مؤلفه‌ای هستند که به دنبال و حول دال مرکزی گرد می‌آیند و در راستای تحقق آن

فعالیت می‌کنند تا بتوانند به کل عناصر گفتمان هویت ببخشند. لاکلاو و موفه در مورد این مؤلفه بیان می‌کنند «دال‌های که خود پیرامون دال مرکزی گرد هم می‌آیند لحظه نامیده می‌شوند؛ به عبارت دیگر، لحظه‌ها عبارت‌اند از؛ موقعیت‌ها و عناصری که در درون یک گفتمان مفصل‌بندی شده‌اند و به هویت و معنایی موقت دست یافته‌اند. هر نشانه ممکن است چندین معنا داشته باشد» (۱۹۸۵: Laclau and mouffe، ۱۱۱). در زیر به این مفاهیم اشاره خواهیم کرد.

دال اصلی گفتمان

ستون و شاکله اصلی هر گفتمان همان دال یا هسته‌ای اصلی می‌باشد. این مفهوم که از آن به عنوان ستون فقرات گفتمان یاد می‌شود، همان مؤلفه است که همه اجزا و عناصر گفتمان در جهت تحقق آن تلاش می‌کنند و محور وحدت آنها محسوب می‌شود. مجله آینده تحقق امنیت پایدار داخلی و خارجی را دال یا هسته اصلی گفتمان خود به مقوله امنیت می‌دانست. گردانندگان آینده با مشاهده اوضاع ناآرام داخلی و در خطر قرار گرفتن تمامیت ارضی ایران بر امنیت پایدار در تمامی عرصه‌های داخلی و خارجی تأکید کرده بودند. این مجله در خصوص ارزش و اهمیت امنیت از آن به عنوان پایه و ستون صلح عمومی یاد کرده و معتقد بود «هر اندازه که ما بتوانیم احساس امنیت و صلح را به وسیله برانداختن اختلافات داخلی در مملکت خود محکم نماییم به استقرار صلح عمومی عالم خدمت کرده‌ایم» (آینده، شماره ۱، سال اول، ۱۳۰۴، وحدت ملی ایران: ۷). مجله آینده با آشنایی کامل با دردها و مشکلات جامعه ایران و آینده پیش رو آن، امنیت را یکی از چهار رکن مهم استقلال، تمدن و ترقی ایران دانسته و بیان کرد «چهار رکن عمده استقلال، ترقی و تمدن ایران عبارت‌اند از وحدت ملی، امنیت، اصلاح ادارات دولتی به خصوص مالیه و اصلاح اصول حکومت ملی و نمایندگی ملی» (آینده، شماره ۱، سال اول، ۱۳۰۴، ارکان اربعه: ۱۹). آینده در مورد اهمیت امنیت معتقد است «استقرار امنیت که برای پیشرفت تجارت از واجبات غیرقابل انکار شمرده می‌شود از مختصات مجلس و دولت است که مظاهر سیاسی ملت می‌باشند» (آینده، شماره ۸، سال اول، ۱۳۰۵، سیاست و اقتصاد: ۴۵). این مجله همچنین امنیت عمومی را ضامن استقلال و وحدت ملی ایران می‌دانست و در این زمینه بیان کرد «امنیت

عمومی و قدرت قاهر دولت مرکزی در اکناف مملکت از دور و نزدیک و از ریشه برانداختن ملوک‌الطوایفی، بزرگ‌ترین و مهم‌ترین قدمی است که این مملکت به سوی استقلال و تشکیل حقیقی دولت برمی‌دارد و این فقره شرط اساسی وحدت ملی نیز هست» (آینده، شماره ۱، سال اول، ۱۳۰۴، ارکان اربعه: ۱۹). بدین ترتیب باید گفت که گردانندگان مجله آینده بعد از تثبیت سلسله پهلوی و شروع برنامه‌های این دولت برای نوسازی ایران با تجربه ناامنی‌های پس از مشروطه که کشور را تا آستانه تجزیه و همچنین مختل شدن امور و هرج‌ومرج گسترده کشانده بود، باز هم بر برقراری امنیت پایدار به‌عنوان لازمه هرگونه نوسازی و پیشرفت تأکید کردند و خطرات و آفت‌های به هم خوردن امنیت را در جامعه برای دولت پهلوی تحلیل و تبیین نمودند به طوری که آن را یکی از چهار رکن مهم ترقی جامعه قلمداد و بر تحقق کامل آن پای فشرده‌اند.

ضدیت گفتمان‌ها با یکدیگر

تأکید بر برقراری امنیت در اوایل دوره پهلوی در واکنش به ناامنی‌ها و هرج‌ومرج‌های فراگیر و تهدید کننده امنیت ملی و تمامیت ارضی کشور شکل گرفت. این ناامنی بسیار فراگیر و مختل کننده بود و منجر به غارت اموال مردم و سرقت‌های فراوان گردیده بود. ملک‌زاده گزارش می‌دهد که «موضوع شکایات مردم به مجلس شورای ملی در این زمان (۱۲۸۹-۱۲۹۹ ش) بیشتر مربوط به سرقت‌ها و غارت اموال مردم در نواحی مختلف کشور بوده است» (ملک‌زاده و دیگران، ۱۳۹۲: ۶۹-۶۴). با نگاهی به روزنامه‌های آن زمان می‌توان عمق این ناامنی را مشاهده کرد. روزنامه ایران گزارش داده است که «در سبزوار و نیشابور راهزنان و سارقین دهات و قصبات اطراف را مورد حمله قرار داده و این نواحی را غارت کردند» (ایران، سال دوم، شماره ۲۵۴، ۱۰ رمضان ۱۳۳۶: ۱). روزنامه نوبهار در گزارشی اوضاع ناآرام دهات اطراف اردبیل را این‌طور بیان می‌کند «دهات اردبیل به هنگام برداشت محصول، به وسیله عشایر منطقه، چپاول و غارت شده و این نواحی دستخوش آشوب شده بود» (نوبهار، سال چهارم، شماره ۶۳، ۲۴ رمضان ۱۳۳۳: ۳). علاوه بر آن در این زمان ما شاهد شورش‌های محلی که بعضی از آنها نغمه تجزیه‌طلبی و به خطر افتادن تمامیت ارضی ایران را تداعی می‌کرد بودیم «در

گیلان قوای میرزا کوچک خان، در سوادکوه امیر مؤید کوهی، شاهسون‌ها در اردبیل و دشت مغان، اقبال السلطنه ماکویی در شمال غرب کشور، سمیتقو کرد در مناطق کردنشین، حسین کاشی در ولایات مرکزی، شیخ خزعل در خوزستان، سردار معزز بجنوردی در خراسان، خوانین بلوچ در بلوچستان، قشقایی‌ها و ایلات خمسه و تنگستانی‌ها در فارس و بنادر خلیج فارس قدرت قبضه کرده و به دنبال اهداف خود بودند» (معظم پور، ۱۳۸۳: ۸۵-۸۴). بدین ترتیب مشخص می‌شود که چگونه در سال‌های پس از مشروطه کشور در بحران ناامنی فرورفته و دغدغه مردم نه آزادی، بلکه امنیت و نظم بوده است. ریچارد کاتم با بررسی مطبوعات در فاصله سال‌های ۱۳۰۰ تا ۱۲۸۹ شمسی معتقد است نبود امنیت باعث گردید تا بحث از آزادی‌خواهی و دموکراسی رخت ببندد و «بیشتر روزنامه‌ها به لزوم ایجاد نظم، امنیت و قانون بپردازند» (کاتم، ۱۳۷۱: ۳۶۳)؛ بنابراین باید گفت که گفتمان برقرار امنیت پایدار از سوی مجله آینده در مقابل ناامنی و هرج و مرج سال‌های پس از مشروطه شکل گرفت. آسیب‌ها و صدمات شدیدی که در اثر این ناامنی به جامعه ایران وارد شد سیاست‌مداران و نخبگان سیاسی ایران را واداشت تا با گرد آمدن در اطراف رضاشاه به این هرج و مرج‌ها و ناامنی‌ها پایان دهند.

دال‌های شناور

همان طوری که در بخش چهارچوب نظری گفتیم که دال‌های شناور مؤلفه‌های هستند که در راستای تحقق دال مرکزی تلاش می‌کنند. مجله آینده برای به ثمر نشستن دال مرکزی خود که ایجاد امنیت پایدار بوده است، چهار راهکار مهم یعنی تشکیل دولت مقتدر مرکزی، سرکوب گردنکشان و یاغیان داخلی، حفظ امنیت تمامیت ارضی و تأمین امنیت قضایی را به‌عنوان دال‌های شناور گفتمان خود نسبت به امنیت معرفی کرد که در زیر آنها را مورد بررسی قرار می‌دهیم.

- تشکیل حکومت مقتدر مرکزی

ناکامی مشروطه خواهان در اجرای اصول مشروطه آنها را به این فکر انداخت که استقرار مشروطه در جامعه ایران بدون بسترها و ساختارهای لازم

امکان‌پذیر نیست و باید ابتدا همانند ترکیه، ایتالیا و ژاپن به کمک یک دولت مقتدر مرکزی با سرپنجه آهنین امنیت را برقرار و سپس زمینه را برای اجرای مشروطه فراهم کرد؛ به عبارت دیگر آنها مستقر شدن مشروطه را منوط به تشکیل دولت مقتدر مرکزی کردند که با زور و اجبار ساختارهای مورد نیاز نوسازی ایران را در جامعه ایجاد کند و جامعه پراکنده و متفرق ایران را ابتدا به وحدت ملی برسانند و سپس به سمت اصول مشروطه هدایت کنند. مجله آینده نیز راه حل پایین دادن به ناامنی‌ها و برقراری قانون و همچنین خنثی کردن توطئه‌های دشمنان خارجی و داخلی را تشکیل دولت مقتدر مرکزی پنداشته و آن را تبلیغ و حمایت کرده بود و در این زمینه نوشت «قوام و دوام هر دولت و ملت و محفوظ ماندن از خطر خارجی و داخلی، داشتن حکومت مقتدر و نظام قوی است. ایران نیز نیازمند همچنین حکومتی است تا دشمنان آن بعضی هوس‌های خام در دل و دماغ خود نینزند» (آینده، سال دوم، شماره ۲۰، ۱۳۰۵، مسئله ملیت و وحدت ملی: ۵۶۲). این مجله همچنین شرط و نیاز اصلی امنیت را شکل‌گیری حکومت مرکزی می‌دانست و در این زمینه بیان کرد «شرط لازم هر اقدام اساسی و اصلاحی در این مملکت، حکومت مقتدر و بادوام است» (آینده، سال اول، شماره ۱، ۱۳۰۴، گذشته، امروز، آینده: ۴). آینده بعد از امنیت آهنین بی‌سابقه‌ای که ارتش پهلوی در کشور ایجاد کرد با ابراز خرسندی و شوق و ذوق فراوان از این حادثه گفته بود «امروز امنیت در سرتاسر مملکت حکم فرماست و اگر عرب‌های جنوب یا ترکمان‌های شمال طغیان کنند، حکومت مرکزی آن قدرت را دارد که قوای آنان را در هم شکسته و به جای خود نشانده... بر کسی پوشیده نیست که امنیت لازمه حل هر اصلاحی می‌باشد و خوشبختانه چون شخصی مقتدر در رأس حکومت جای دارد، بیم تزلزلی هم نمی‌رود» (همان: ۴). آینده معتقد بود در ساخت دولت-ملت مدرن وجود یک حکومت مقتدر مرکزی قوی برای ایجاد امنیت ضروری است؛ چراکه از نگاه او امنیت بستر و زمینه لازم و کافی برای هرگونه پیشرفت و ترقی می‌باشد و در این مورد معتقد بود «به مقتضای اصول حقوق بین‌الملل هم داشتن حکومتی که قادر به حفظ امنیت باشد یکی از شرایط لازم هر دولت می‌باشد» (آینده،

سال اول، شماره اول، ۱۳۰۴، سپاه و سیاست: ۷۶). گردانندگان این مجله ضامن امنیت داخلی و خارجی را دولت مقتدر با سپاهی که بتوانند حدود مملکت را اداره کنند می‌دانستند و گفته بودند «سپاهی برای نگاهداری امنیت داخلی و خارجی ما کافی است که در آینده با قوای مکفی بتواند حدود و ثغور مملکت را هم حفظ کند» (همان). باید گفت که دست‌اندرکاران مجله آینده به‌خوبی تشکیل دولت مقتدر مرکزی را برای برقراری امنیت تشخیص داده‌اند که بعدها با مستقر شدن حکومت پهلوی اول این خواسته‌ی آنها محقق شد.

- سرکوب گردنکشان و یاغیان داخلی

یکی از جلوه‌های اصلی عدم امنیت در جامعه ایران در سال‌های پس از مشروطه تا تشکیل سلسله پهلوی شورش‌های داخلی به‌خصوص در نواحی مرزی ایران بوده است. به همین خاطر مجله آینده تأمین امنیت داخلی و مبارزه با گردنکشان و یاغیان مسبب این وضعیت و پایان دادن به خودسری آنها را ضروری دانسته و در این زمینه معتقد بود «مملکت ایران که از اول دوره مشروطیت تا به حال دائماً در بحران غلیان بوده دیگر طاقت بی‌نظمی و هرج‌ومرج را ندارد... یک مقدار از این مفسده‌ها به تحریک اجانب است؛ ولی سبب قسمت عمده خرابی‌ها خود ایرانیان هستند. امنیت داخلی و خارجی اولین شرط زندگانی سیاسی برای ملت است» (آینده، سال اول، شماره اول، ۱۳۰۴، سپاه و سیاست: ۷۶).

یکی از این شورش‌های و گردنکشان داخلی غائله شیخ خزعل در خوزستان بود که با تغییر نام باستانی خوزستان سعی در افکندن حکمرانی مستقلانه در این استان داشت. مجله آینده در مورد این غائله و ستایش از رضاشاه در قلع و قمع کردن آن تجلیل کرده و به خطراتی که در آینده امنیت خوزستان را تهدید می‌کند اشاره کرده و می‌گوید «یکی از حوادث مهم امسال خاتمه طغیان شیخ خزعل و آوردن او به تهران است. حاجت به بیان نیست که این پیشامد تا چه اندازه اهمیت دارد... امروز اگر نفس‌شان فرورفته، به‌واسطه ضرب شستی است که فرمانده قوای ایران در آنجا نشان داد؛ اما هر وقت باز احساس قدرت کنند همان نغمه‌های شوم بلند خواهد شد و تبلیغات پان‌عربیسم به طرز شدیدتری دنبال خواهد شد...»

به هر حال حکومت باید در زمینه امنیتی که در آن حدود فراهم شده اقدامات اساسی بنماید تا وحدت ملی ایران در آنجا کامل شده و خطر تجزیه رفع گردد» (آینده، سال اول، شماره اول، ۱۳۰۴، غائله خوزستان: ۶۱ و ۶۰).

دیگر شورش امنیتی مورد توجه دست‌اندرکاران مجله آینده طغیان ترکمانان در شرق کشور بود. آینده این خطر را عمیقاً حس کرده و در مورد ضرورت قاطعانه ایجاد امنیت در آن مناطق معتقد بود «دیگر از حوادث مهم، طغیان ترکمانان در حدود استرآباد می‌باشد، خوشبختانه قوای دولتی آنها را متواری کرده است. با وجود این هیچ نمی‌توان مطمئن بود که بار دیگر اسباب زحمت را فراهم نیاورند؛ زیرا سال گذشته بود که همین بازی را پیش آورده بودند. حکومت تهران باید با اهمیتی که سرحدات شمال شرق ایران دارند، همیشه حاکم لایق و قادری با قوای کافی در آنجا داشته باشد و برج‌های لازم دفاعی برپا کنند و مخصوصاً سعی در خلع سلاح ترکمان نماید» (آینده، سال اول، شماره اول، ۱۳۰۴، سرکشی ترکمانان: ۶۳).

آینده برای از بین بردن خطر ناامنی و سرکوب گردنکشان داخلی به چاره‌جویی می‌پردازد و با طرح ایده‌های هوشمندانه جهت خنثی کردن توطئه‌های شوم ناامنی آنها، رضاشاه را تشویق و ترغیب به انجام سیاست‌ها و اقدامات زیر می‌کند و می‌گوید «کشیدن راه‌آهن و مربوط و منتقل نمودن کلیه نقاط مملکت به یکدیگر، کوچ دادن بعضی از ایلات آذربایجانی و خوزستان به نقاط داخلی ایران و آوردن ایلات فارسی‌زبان به مناطق مرزی و شهرنشین کردن آنها...» (آینده، سال دوم، شماره ۲۰، ۱۳۰۵، مسئله ملیت و وحدت ملی ایران: ۵۶۲). این مجله گوشزد می‌کند که دولت مرکزی ایران باید به مسئله شورش‌های داخلی اهمیت فراوان دهد و سیاست‌هایی را طراحی کند که برای همیشه خطر شورش داخلی از مسئله وحدت و تمامیت ایران ریشه‌کن شود، در این زمینه معتقد است «باید سیاستی اتخاذ شود که ناامنی دیگر نتواند عود کند و گردنکشان دیگر نتوانند از جایی برخیزند» (آینده، سال اول، شماره اول، ۱۳۰۴، سپاه و سیاست: ۷۷). باید گفت موضوع شورش‌های داخلی توسط گردنکشان اخلال‌کننده امنیت ایران، یکی از معضلات جامعه به هنگام ضعف

دولت مرکزی در تاریخ ایران بوده است و مجله آینده به درستی بر این موضوع انگشت گذاشته و در راستای حل آن به ایده پردازی پرداخته است.

- حفظ امنیت تمامیت ارضی کشور

یکی دیگر از ابعاد مهم امنیت در گفتمان مجله آینده، حفظ تمامیت ارضی کشور از خطرات خارجی بوده است. ضعف دولت مرکزی در دوره قاجار سبب‌ساز هدر رفتن بخش‌های از سرزمین‌های ایران‌شهر شد و این مسئله زنگ خطری برای وطن‌پرستان ایرانی گردید تا با روی کار آمدن سلسله پهلوی تمامیت ارضی ایران را از خطرات خارجی برهانند. آینده در این زمینه با اشاره به غائله تجزیه‌طلبی در کردستان به دولتمردان ایرانی هشدار می‌دهد که مسائل کردستان را با دقت، بررسی و کردها را که قومی ایرانی‌الصل هستند با روش‌های مسالمت‌آمیز از جمله ترویج زبان فارسی سفت و سخت در دایره وحدت ملی ایران نگه دارید و نقشه‌های خطرآفرین و تهدیدکننده دشمنان تاریخی، جغرافیای ایران‌زمین را خنثی کنید و در همین زمینه می‌نویسد «چندین سال است که زمزمه استقلال کردستان به میان آمده و بعضی از کردهای عثمانی با ساز آن می‌رقصند. شاید غائله اسماعیل آقا سمیتقو و اکراد ایرانی هم که تا سال گذشته ادامه داشت، با آن قضیه بی‌مناسبت نباشد... باید برای خاطر اولیای امور خود یادآور شویم که سیاست داخلی ما باید طوری باشد تا به مرور زمان ولی هر چه زودتر کردهای ایران را که از نژاد ایرانی هستند و زبان آنها یکی از لسان‌های ایران است با سایر ایرانی آمیخته شوند» (آینده، سال اول، شماره اول، ۱۳۰۴، شورش کردهای عثمانی: ۶۲). آینده با هوشمندی دقیق خطرات پان‌ترکیسم و پان‌عربیسم را برای تمامیت ارضی ایران تشخیص داده و از اهداف و برنامه‌های تبلیغاتی شوم انگیز آنها پرده برمی‌دارد و با موضع‌گیری سخت می‌گوید «عثمانی‌ها به‌وسیله تبلیغات خود مغلطه می‌کنند و چون آذربایجان‌ها ترک‌زبان هستند می‌خواهند آنها را به جامعه خود بکشند. همین سوءقصد را نیز عرب‌های همسایه نسبت به ایرانیان هم زبان خود دارند» (آینده، سال دوم، شماره ۲۰، ۱۳۰۵، مسئله ملیت و وحدت ملی ایران: ۵۶۲).

آینده با یک نگاهی تاریخی و آسیب‌شناسانه معتقد است که مهم‌ترین خطراتی که در کمین تمامیت ارضی ایران وجود دارند عبارت‌اند از «خطر سفید و مقصود از آن خطر سیاسی است که از شمال از طرف دولت روسیه متوجه ایران است. خطر آبی و آن خطر است که از جنوب از طرف انگلیس متوجه ایران است. خطر زرد خطری است که از طرف عثمانی و ترک و تاتار شمال غربی ایران را تهدید می‌کنند. خطر سبز و آن خطر است که از طرف همسایه‌های سامی یعنی عرب‌ها، جنوب غربی را تهدید می‌کند» (آینده، شماره ۲۳، سال دوم، ۱۳۰۵، خطرات سیاسی: ۷۶۳). باید گفت با توجه به تجربه تاریخی ناگوار در دوره قاجار برای تمامیت ارضی ایران و همچنین نقشه‌های شوم داخلی و خارجی برای خدشه‌دار کردن تمامیت ارضی ایران در سال‌های پس از مشروطه، گردانندگان مجله آینده عمیقاً این خطر بزرگ را درک کرده بودند و با روی کار آمدن رضاشاه فرصت را برای بی‌اثر کردن این خطرات مغتنم شمردند و به ارائه برنامه‌های برای حفظ تمامیت ارضی ایران اقدام کردند.

- تأمین امنیت قضایی

دیگر جلوه مهم امنیت در گفتمان مجله آینده که بیشتر رنگ و بوی مدرن داشته موضوع برقراری امنیت قضایی بوده است. ایجاد سیستم قضایی مدرن در سراسر کشور برای پوشش دادن کل افراد جامعه در دایره امنیت آن، یکی دیگر از راه‌های مجله آینده برای برقراری امنیت محسوب می‌گردد. این مجله امنیت قضایی را ضامن امنیت فردی، رشد و شکوفایی سرمایه‌گذاری و ترقی در عرصه‌های مختلف صنعتی، تجاری و فلاحتی، آرامش و توسعه سیاسی و حفظ شئون اخلاقی و شرعی در جامعه می‌دانست و در مورد ضرورت سیستم قضایی که امنیت را در جامعه نهادینه می‌کند، معتقد بود «چون ترقی اقتصادی مملکت منوط به تأمین‌های افراد است، بدیهی است هر کس که شخصاً فهمید اموال و دارایی متعلق به خود است و به‌وسیله محاکم منظم قضایی توانست از تعدیات غیر مشروع به حقوق خود اطمینان حاصل کند، باعث می‌شود که مردم به‌وسیله به کار انداختن سرمایه‌های خود شرکت‌های صنعتی، تجاری و فلاحتی و... تشکیل دهند. همین که قوه قضاییه موفق شود جان، مال، مسکن و شرف را

حفظ کند و امنیت قضایی در جامعه مستقر شود اولین اثر مستقیم آن پیشرفت سیاسی ماست... همچنین استقرار امنیت قضایی کامل در جامعه موجب اطمینان و اعتماد اشخاصی به همدیگر می‌شود... همین که اشخاصی در سایه اعتماد بدون اعمال دسیسه و تقلب و یا سایر وسایل غیرمشروع معاش خود را تحصیل نمودند از توسل به امور منافی شرع و اخلاقی دوری جسته و با عفت و آرامش زندگانی خواهند کرد» (آینده، شماره ۱۰، سال اول، ۱۳۰۵، امنیت قضایی: ۶۰۷)

گردانندگان مجله آینده در مورد امنیت قضایی معتقد بودند «بر اساس قانون اساسی ما برای اینکه در جامعه ایرانی مصونیت جانی، مالی، مسکنی و عرفی در حدود قانون محرز و مستحکم شود، عدلیه را برای اهالی مملکت و بدون رعایت امتیازات طبقات ملجأ رسمی نظارت عمومی قرار داده و ذی‌حق باید به محاکمی که قانوناً تشکیل شده‌اند، مراجعه و احقاق حق خود را تقاضا نمایند. برای اینکه امنیت قضایی کامل در کشور حکم بشود باید سایر شروط مربوط به این امر را نیز از قبیل مصونیت قانونی، مسئولیت قضایی، انتخاب شخصی قاضی و غیره رعایت و محترم شود» (آینده، سال دوم، شماره ۸، ۱۳۰۵، امنیت قضایی: ۳۶۰ - ۳۵۹). بر اساس مطالب بالا باید گفت مجله آینده، مقوله امنیت را نه تنها سیاسی-امنیتی می‌دانست؛ بلکه با آگاهی از ضرورت نوسازی اداری و امنیتی ایران بخش بزرگی از امنیت را منوط به ساخت دولت - ملت مدرن در قالب تجددخواهی برای بخش‌های قضایی و اداری تشخیص داد و با درک این نکته که امنیت قضایی از واجبات نوسازی جامعه است تلاش قابل ستایشی برای از بین بردن نظام عدلیه سنتی و استقرار سیستم مدرن قضایی در دوره رضاشاه کرد.

نتیجه‌گیری

باید گفت ناامنی، بی‌نظمی و هرج‌ومرج سیاسی-امنیتی که از اواخر دوره قاجار به دلیل ناکامی مشروطه شکل گرفت، جامعه ایران را در وضعیت بسیار پیچیده و بغرنجی قرار داد. این ناامنی کار را به جایی رسانده بود که مردم آرمان‌های آزادی‌خواهی مشروطه را نادیده گرفته و خواهان برقراری امنیت شدند. سرانجام

سیاسیون و دولت‌مردان ایرانی با گردآمدن اطراف رضاخان و تأسیس سلسله پهلوی گام‌های بی‌سابقه را در این زمینه برداشته‌اند. محمود افشار و گروهی دیگر از نخبگان سیاسی و ادبی ایران که با انتشار مجله آینده و حمایت از گفتمان تجدد و نوسازی جامعه، به کمک برنامه‌های دولت پهلوی برای ساخت دولت-ملت مدرن شتافتند، با این آگاهی که برقراری امنیت پایدار در عرصه داخلی و تمامیت ارضی ایران شرط اولیه و اساسی هرگونه پیشرفت است در مجله خود تأمین امنیت را یکی از چهار رکن مهم ترقی جامعه دانستند. آنها همچنین نوسازی ایران را بدون ایجاد امنیت غیرممکن می‌دیدند؛ به عبارت دیگر جامعه ایران در اوایل تأسیس سلسله پهلوی برای حرکت به سوی تجدد و سرمایه‌گذاری در بخش‌های مختلف صنعتی، تجاری و غیره یک بستر ضروری نیاز داشت و آن وجود امنیت پایدار داخلی و ملی بود. گردانندگان مجله آینده به‌عنوان نظریه‌پردازان اقتدارگرا در کنار رضاشاه تلاش کردند تا این موضوع مهم را به رضاشاه القا و با طرح برنامه‌هایی جهت تأمین این امنیت آن را در جامعه به منصفه ظهور برسانند. آنها معتقد بودند که امنیت را می‌توان با تشکیل حکومت مقتدر مرکزی، سرکوب گردنکشان و یاغیان داخلی، حفظ تمامیت ارضی ایران از خطراتی خارجی و همچنین برقراری امنیت قضایی در سراسر کشور تأمین کرد. بنابراین فرضیه ما در این پژوهش مورد تأیید قرار گرفت. به عبارت دیگر باید گفت بعد از تثبیت سلسله پهلوی و شروع برنامه‌های تجددگرایانه این حکومت برای توسعه و نوسازی جامعه ایران، محمود افشار و دیگر همفکرانش با تأسیس مجله آینده در کنار پرداختن به دیگر مشکلات جامعه، ضمن برشمردن مزایای امنیت پایدار داخلی و خارجی، خطرات و آفت‌های عدم امنیت برای تمامیت ارضی ایران، اختلال در مسیر توسعه و پیشرفت جامعه، سلب کردن آرامش مردم و دیگر پیامدهای سیاسی، اجتماعی، اقتصادی ناگوار به هم خوردن امنیت را برای دولت پهلوی و شخص رضاشاه تشریح و تحلیل و تبیین نمودند و با این اقدام نقش بسیار مهم و تعیین‌کننده را در برنامه‌ها و اقدامات دولت پهلوی اول برای تأمین امنیت ایفا کرده بودند.

منابع

- آبراهامیان، یرواند (۱۳۸۹)، ایران بین دو انقلاب، ترجمه احمد گل محمدی و محمدابراهیم فتاحی، تهران، نشر نی.
- افشار، محمود (۲۵۳۶)، آینده، ج ۱ و ۲، چاپ سوم، تهران: بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار.
- آینده (۱۳۰۴) مقدمه، سال اول، شماره اول.
- آینده (۱۳۰۴)، وحدت ملی ایران، شماره ۱، سال اول.
- آینده (۱۳۰۴)، ارکان اربعه، شماره ۱، سال اول.
- آینده (۱۳۰۵)، سیاست و اقتصاد، شماره ۸، سال اول.
- آینده (۱۳۰۵)، امنیت قضایی، شماره ۱۰، سال اول.
- آینده (۱۳۰۵)، امنیت قضایی، شماره ۸، سال اول.
- آینده (۱۳۰۴)، گذشته، امروز و آینده، شماره اول سال اول.
- آینده (۱۳۰۵)، مسئله ملیت و وحدت ملی، شماره ۲۰، سال دوم.
- آینده (۱۳۰۴)، سپاه و سیاست، شماره اول، سال اول.
- آینده (۱۳۰۴)، غائله خوزستان، شماره اول، سال اول.
- آینده (۱۳۰۴)، سرکشی ترکمان، شماره اول، سال اول.
- آینده (۱۳۰۴)، شورش کردهای عثمانی، شماره اول، سال اول.
- آینده (۱۳۰۵)، خطرات سیاسی، شماره ۲۳، سال دوم،
- ایران، سال دوم، شماره ۲۵۴، ۱۰ رمضان ۱۳۳۶: ۱
- بشیر، حسن (۱۳۸۴)، تحلیل گفتمان دریچه‌ای برای کشف ناگفته‌ها، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق.
- بارت، رولان (۱۳۸۷)، درآمدی بر تحلیل ساختاری روایت‌ها، ترجمه محمد راغب، تهران: فرهنگ صبا.
- خدروی زاده، علی‌اکبر و همکارانش، (۱۳۹۰)، چگونه بازتاب اندیشه نوسازی در مجله آینده (۱۳۰۶_۱۳۰۴)، نشریه مسکویه، شماره ۱۷ از ۶۲_ ۳۷، سال ۶.

- حقیقت، سید صادق (۱۳۸۷)، روش‌شناسی علوم سیاسی، قم: دانشگاه مفید.
- عاقلی، باقر (۱۳۸۰)، شرح حال رجال سیاسی و نظامی معاصر ایران، ج ۱، تهران: نشر کمال.
- عضدانلو، حمید (۱۳۸۰)، گفتمان و جامعه، تهران: نشر نی.
- کسرای، محمد سالار؛ شیرازی، علی پوزش (۱۳۸۸)، «نظریه لاکلا و موفه ابزاری کارآمد در فهم و تبیین پدیده‌های سیاسی»، فصلنامه سیاست، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، شماره ۱۱، ۳۶۰-۳۳۹.
- کاتم، ریچارد (۱۳۷۱)، ناسیونالیسم در ایران، ترجمه احمد تدین، تهران: انتشارات کویر.
- لاکلاو، ارنستو؛ موفه، شانتال (۱۳۹۳)، هژمونی و استراتژی سوسیالیستی، ترجمه محمد رضایی، تهران: ثالث.
- ملایی، توانی، علیرضا (۱۳۸۱)، مشروطه و جمهوری، تهران: نشر گسترده.
- معظم پور، اسماعیل (۱۳۸۳)، نقد و بررسی ناسیونالیسم تجدیدخواه در عصر رضاشاه، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- ملک‌زاده، الهام و دیگران (۱۳۹۲)، جنگ جهانی اول و دوم در ایران به روایت اسناد، تهران: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای ملی.
- موفه، شانتال (۱۳۹۱)، درباره امر سیاسی، ترجمه منصور انصاری، تهران: رخداد نو، نوبهار، سال چهارم، شماره ۶۳، ۲۴ رمضان ۱۳۳۳: ۳.
- یورگنسن، ماریان، فیلیپس لوئیز (۱۳۸۹)، نظریه و روش در تحلیل گفتمان، ترجمه هادی جلیلی، تهران: نشر نی.
- یارمحمدی، لطف الله (۱۳۸۷)، گفتمان‌شناسی رایج و انتقادی، تهران: هرمس.
- Laclau, E. and Mouffe, C., (1985) *Hegemony and Socialist Strategy: Towards a Radical Democratic Politics* Verso, London (<https://doi.org/10.1177/072551368701600118>).
- Laclau, E. and miuffe, (2002), recasting Marxism, in: james martin, Antonio Gramsci, *Critical Assesment of Leading political philosophers*, London: Routledge.